

استحاله و تغییر هستی‌شناختی در آیین‌های گذار^۱

فاطمه بیات فرد^۲

دانش‌آموخته دکتری ادیان و عرفان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فاطمه لاجوردی^۳

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

آیین در واقع بیان نمادین و گاهی رازآمیز ارزش‌های فرهنگی و دینی یک جامعه است. ساختار آیین متأثر از اسطوره‌ها و باورهای متافیزیکی و گاهی مادی مردمی است که در طول سالیان متمادی به آن عمل کرده و آنرا حفظ می‌کنند. از مهم‌ترین و متداول‌ترین آیین‌های رایج جوامع بشری آیین گذار است. آیینی که مقاطع مهم زندگی انسان را به او گوشزد کرده و به مرور نقش‌ها و مسؤولیت‌های جدید و متعالی‌تری را به او می‌سپارد. فرد در جریان برگزاری آیین گذار دستخوش نوعی استحاله و تغییر هستی‌شناختی می‌شود که از آن به مرگ نمادین از هستی پیشین و حیات دوباره به هستی جدید تعبیر می‌شود. نوشتار حاضر ضمن برشمردن ساختار و ویژگی‌های آیین به بررسی مفهوم استحاله و تغییر هستی‌شناختی در آیین‌های گذار می‌پردازد.

کلید واژه‌ها

آیین، آیین‌های گذار، مرگ و حیات نمادین، استحاله، رازآمیزی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۹

۲. پست الکترونیک: f_bayatfard@yahoo.com

۳. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): flajevardi @srbiau.ac.ir

۱. مقدمه

آیین‌ها در واقع بیان نمادین باورهای یک جامعه خاص‌اند. به عبارت دیگر برگزاری آیین‌ها مناسب‌ترین واسطه انتقال مفاهیم ذهنی به دنیای خارج و عینیت بخشیدن به آنهاست. در هر آیین مجموعه‌ای از اعمال و کلمات معین وجود دارد و برگزارکنندگان آیین می‌کوشند تا مطابق دستورالعمل توصیه‌شده آن عمل نمایند. به همین دلیل معمولاً دقت و وسواس ویژه‌ای در رعایت قواعد و چهارچوب‌های رایج هر آیین اعمال می‌شود. این به معنای آن است که صورت ظاهری آیین دارای اصلیتی می‌شود که باورمندان به آن آیین مجاز به تغییر آن نیستند. اما آنچه بیش از اعمال ظاهری اهمیت دارد معنای باطنی و نیز هدفی است که آیین برای دستیابی به آن برگزار می‌شود. مهم‌ترین هدف از برگزاری آیین، یادآوری ارزش‌ها و اصولی است که فرد را با گذشته، حال و آینده‌اش مرتبط می‌سازد. فردی که در معرض تجربه آیینی قرار می‌گیرد در واقع خود حقیقی‌اش را در تکرارهای دوره‌ای آیین باز می‌یابد. این تکرار به هیچ وجه کسل‌کننده و غیر ضروری نیست بلکه بر عکس سبب می‌شود که فرد برخی ساعات و روزهای حیات خویش را با ویژگی متمایزی درک و احساس کند، و در نتیجه زمان برای او دیگر همگن نباشد. به عبارت دیگر با برگزاری آیین فرد و افراد جامعه نسبت به اوقات حیات خویش هوشیارتر و آگاه‌تر می‌شوند و آگاهی سبب ارتقاء کیفیت زندگی و به تعبیری معنادار شدن آن می‌شود. جست‌وجو در پی حیات با معنا روح تغییر و نوشدن را در فرد و جامعه می‌دمد، و در واقع تلنگرهای گاه به گاه در هنگام برگزاری آیین‌ها انسانی را که تنها درگیر برطرف کردن سطحی‌ترین نیازهای حیات طبیعی خود است به ساحت متعالی از حیات سوق می‌دهد. نقش یادآوری آیین‌ها هنگامی که در سطح اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد با خاطره جمعی افراد آن جامعه نیز مرتبط می‌شود. این خاطره جمعی برای حفظ موجودیت و بقای خود نیازمند آن است که تک تک افراد نسبت به وظایف و نقش‌های خود در برگزاری آیین‌ها آگاه و ملتزم باشند، و از این‌جا نقش هماهنگ‌کنندگی و نظم بخشی آیین‌ها آشکار می‌شود. هرچه باورپذیری و پابندی افراد یک جامعه خاص چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی کامل‌تر باشد حرکت آن جامعه در مسیر سعادت و پیشرفت آسان‌تر و سریع‌تر صورت می‌پذیرد.

اشتیاق انسان‌ها به برگزاری آیین‌ها و مراسمی که در طی آن رویداد و تغییر خاصی را

چه در سطح فردی و چه به طریق اولی در سطح اجتماعی یادآوری می‌نمایند گواه تأثیر و اهمیت ویژه آیین و اعمال آیینی برای انسان‌هاست. از این میان، بنا به تعریفی که انسان‌شناسان از قرن بیستم به این سو ارائه داده‌اند، آیین‌هایی که در ضمن آنها مهم‌ترین مقاطع تغییر در حیات یک انسان به او گوشزد می‌شود آیین‌های گذار نامیده می‌شوند. تغییر و نوشدنی که در همه آیین‌ها مورد انتظار است در جریان آیین‌های گذار به‌طور عمیق‌تر و محسوس‌تری تحقق پیدا می‌کند، و بر این اساس از چنین تغییری اصطلاحاً به مرگ از وضعیت پیشین و حیات به وضعیت متعالی‌تر بعدی تعبیر می‌شود. این تغییر در دو ساحت قابل بررسی است. ساحت اول را می‌توان عینی و محسوس خواند. نظیر تغییر جایگاه اجتماعی فرد به عنوان مثال از کودکی به بزرگسالی، تغییر از وضعیت مجرد به تأهل و امثال آنها. در ساحت دوم استحاله و تغییر هستی‌شناختی مطرح است که در جریان آیین‌های گذار رخ می‌دهد و فرد را دگرگون می‌سازد. فرد با گذراندن آزمون‌ها و مراحل پیش از آیین گذار قابلیت و استعداد این مرحله را در خود ایجاد می‌نماید و آماده پذیرش نقش‌ها و مسؤولیت‌های جدید در قبال زندگی فردی خویش و نیز جامعه‌ای می‌شود که در آن زندگی می‌کند.

۲. معنای لغوی و اصطلاحی آیین

واژه آیین در زبان فارسی به معنای شیوه، رسم، دین، آداب و مراسم است.^۱ معادل آن در زبان انگلیسی واژه (rite) از ریشه لاتین (ritus) به معنای عمل و مراسم، بویژه در کاربرد دینی آن است.^۲

آیین به‌طور اصطلاحی ناظر بر مجموعه‌ای از اعمال تکرارپذیر، رمزگذاری شده و اغلب رسمی است که برای دستیابی به اهداف مشخصی یا بزرگداشت حقیقت ویژه‌ای، به صورت کلامی یا با حرکات نمادین انجام می‌شود. آیین متضمن شکلی از ارتباط فرد با حقیقت، جامعه و باورهای رایج در میان انسان‌ها است، و قواعد و چهارچوب‌هایی دارد که در قالب آنها قابل فهم می‌شود. شناخت این قواعد به معنای دانستن زبان رمزگونه

۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۳۱۰.

2. *The Oxford Concise Dictionary of Etymology*, T. F. Hoad(ed.), Oxford, 1996, p.280.

آیین‌هاست که در عین تنوع بسیار در ساختار، اهداف مشابهی دارند، و تمایز آنها زمانی آشکار می‌شود که انجام‌دهندگان آیین بر هدف خاصی تأکید و توجه نمایند.

۳. ساختار و کارکرد آیین

ساختار آیین در یک سطح متأثر از شیوه زندگی و ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی یک جامعه خاص است و در سطح دیگر، از اسطوره‌ها و اعمال خدایان و قهرمانان و نیاکان آن جامعه تأثیر می‌پذیرد. با این تعریف، آیین‌ها به بقا و زنده ماندن اسطوره‌ها یاری می‌کنند و اسطوره‌ها به آیین‌ها معنا می‌بخشند و این رابطه دوسویه با تکرارپذیری و دوام آیین‌ها در طول تاریخ حیات بشر ادامه پیدا می‌کند. قدر مسلم آن است که رابطه معناداری میان اسطوره و آیین وجود دارد. هرچند در اعصار مختلف التزام و باورپذیری انسان‌ها به اسطوره‌ها و آیین‌ها دستخوش شدت و ضعف می‌شود، اما هیچ زمانی را نمی‌توان یافت که انسان‌ها صورتی از اسطوره‌ها را برای توجیه آغاز و منشا پدیده‌ها به کار نگیرند یا زمانی که حیات آنها خالی از آیین و اعمال آیینی باشد.

از نظر برخی اندیشمندان انسان‌شناسی نظیر تایلور^۱، اسطوره مقدم بر آیین است و از آنجایی که اسطوره‌ها به توضیح حقایق جهان می‌پردازند بنابراین آیین‌ها از اسطوره‌ها کمک می‌گیرند.^۲ اما دیگران نظیر رابرتسون اسمیت^۳ آیین را مقدم بر اسطوره می‌دانند و بر این باورند که اسطوره‌ها در قالب آیین‌ها به حیات خود ادامه می‌دهند.^۴ تعریف دیگر از رابطه اسطوره و آیین، دیدگاه فریزر^۵ است. او تقسیم‌بندی سه‌گانه جادو، دین و دانش را مطرح می‌کند که در آن مرحله بین دین و دانش حلقه واسطی است که از ترکیب جادو و دین به وجود آمده است. در این مرحله آیین‌گرایی اسطوره‌ای^۶ یافت می‌شود که در آن آیین و

۱. E.B. Tylor (1832-1917)

۲. Tylor, E. B., *Researches into the History of Mankind*, London, 1870, p.115.

۳. Robertson Smith (1846-1894)

۴. Robertson Smith, W., *Lectures and Essays of William Robertson Smith*, John Sutherland (ed.), Edinburgh, 1912, p.184.

۵. James Frazer (1854-1941)

۶. Myth- Ritualism

اسطوره هر دو با هم عمل می‌کنند.^۱ در مجموع به نظر می‌رسد که تعریف فریزر در مورد ارتباط اسطوره و آیین قابل قبول‌تر باشد و رابطه‌ی دو سویه‌ای بین این دو وجود داشته باشد که تقدم و تأخر آنها نسبت به یکدیگر را بی‌اهمیت سازد.

آیین سنت اصیل توصیه شده‌ای است که فرد از پیشینیان خود دریافت کرده است یا به واسطه وحی و تجلی امر قدسی برای معنا بخشیدن به حیات مادی انسان توصیه شده است و گاهی هیچ توجیه عقلانی و استناد معتبر علمی یا تاریخی در مورد آن وجود ندارد، اما افراد خود را ملزم به انجام آن می‌دانند. سرسپردگی به سنت‌ها و آیین‌ها و حجیت حقایق و رموز آشکار شده در ضمن تجربه آئینی برای انسان همواره خدشه‌ناپذیر بوده است این تا حدی است که در میان قبایل سرخپوست آمریکای شمالی، پسرانی که تجربه جنگل را در سن بلوغ سپری می‌کنند، چنان‌که در رویای خود کمربندی زنانه ببینند، باید پس از بازگشت به قبیله همانند زنان لباس بپوشند و رفتار کنند. به چنین افرادی میکسوغا^۲ گفته می‌شود، یعنی مردانی که شرایط عادی و طبیعی مردانه دارند، اما برای پذیرش و پیروی از حکمت سنت باید مانند زنان رفتار نمایند.^۳

بوسیله برگزاری آیین حقیقتی انکارناپذیر و جدا نشدنی با فرد همراه می‌شود. برای نمونه، فرد از طریق ازدواج به همسری فرد دیگری در می‌آید و با تولد فرزند پدر یا مادر می‌شود و به همین ترتیب در طول حیات خود تجربه‌های متعددی را در چهارچوب آیین‌ها کسب می‌نماید و دستخوش تغییر می‌شود. این تغییر یا هویت‌بخشی در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است. از آنجایی که هر فرد به تنهایی در معرض پذیرش آیین قرار می‌گیرد، ضرورتاً درک و شناخت ویژه‌ای از آن تجربه حاصل می‌کند. محققانی چون الیاده بر اهمیت تجربه فردی در آیین‌ها تأکید می‌کنند و بر این باورند که این امر سبب می‌شود که فرد با صورت‌های حقیقی و پایدار موجود در روابط حاکم بر نظام کیهانی آشنا شود و با تکرار و یادآوری آنها، سراسر زندگی خود را با امر قدسی پیوند بزند. از نظر الیاده پذیرفتن آیین و التزام به آن سبب می‌شود که حتی کوچک‌ترین و مادی‌ترین اعمال انسان، نظیر

۱. Frazer, James, *The Golden Bough*, London, 1890, p.458.

۲. Mixuga

۳. Turner, Victor, *Forest of Symbols, Aspects of Ndembu Rituals*, London, 1982, p.101.

خوردن، آشامیدن، برقراری روابط جنسی و امثال آن، به اموری آگاهانه، هدفمند و به تعبیر دینی مقدس تبدیل شوند.^۱ شاید به دلیل همین دیدگاه است که برای انسان کهن، هیچ چیز نامقدس نیست و تنها زمانی می‌توان چیزی را نامقدس دانست که نتوان برای آن معنایی اسطوره‌ای یا الگویی ازلی و مثالی در اعمال خدایان و قهرمانان پیدا کرد.

زمانی که آیین‌ها به صورت جمعی انجام می‌شوند، افرادی هم‌چون ضابطان و نمایندگان نهادهای اجتماعی، فرهنگی و دینی عمل می‌کنند که کارکرد آنها یادآوری و بیان ضرورت و چگونگی اجرای آیین است. در سطح بالاتر نقش این افراد نظم‌بخشی و ایجاد هماهنگی در هنگام اجرای آیین در جامعه است. در چنین سطحی آیین‌ها با یادآوری ارزش‌ها و حقایق در قالب نمادین و تکرارپذیر خود، افراد جامعه را در راستای تحقق یک تجربه و هدف مشترک هماهنگ می‌سازند. برگزاری آیین چه به صورت فردی و چه در قالب اعمال جمعی نشان دهنده تلاش انسان برای معنا بخشیدن به اعمال و امور عادی زندگی است، تا از رهگذر آن حیاتی بالاتر از سطح زندگی مادی را تجربه کند و به تعبیر دینی، با حقیقت ثابت و پایدار هستی پیوند حاصل کند. افزون بر این، همان‌گونه که ذکر شد ویژگی نظم‌بخشی آیین‌ها و نقش آنها در ایجاد هماهنگی و همبستگی در میان اعضای جامعه بسیار ارزشمند است.

۴. اهمیت و ضرورت آیین

ارتباط انسان و حقیقت برین همواره دو سویه است. در یک سو، حوزه تجلی و وحی قرار دارد، رابطه بلافصلی که لزوماً نیاز به آیین خاصی ندارد، و در سوی دیگر انسان از طریق نیایش و انجام مناسک در قالب فردی یا جمعی با امر قدسی مرتبط می‌شود. آیین‌ها حتی در باطنی‌ترین و معنوی‌ترین تجربه‌های ناب عرفانی نیز کارکرد خاص خود را دارند. آیین و التزام به آن در مقابل معنویت عمیق قرار ندارد، بلکه تحقق تجربه‌های معنوی نیاز به محمل مادی دارد که در بستر آیین تحقق پیدا می‌کند. به همین دلیل است که طریقه‌های عرفانی نظیر صوفیه، عرفان یهودی و ... در نهایت معناتلبی، دارای آیین‌هایی گاهی پیچیده‌تر از

۱. Eliade, Mircea, *Patterns in Comparative Religion*, Rosemary Sheed(trans.), London, 1958, p.50.

دستورهای شریعتی هستند که از آن نشأت گرفته‌اند.^۱

به نظر می‌رسد که انسان نوگرای امروز اصرار دارد تا خود را بی‌نیاز از آیین‌ها و به‌ویژه آیین‌های دینی بداند. برای انسان کهن آیین‌ها^۲ اهمیت داشتند و برای انسان امروزی باور^۳ مهم‌تر است. برای انسان عصر حاضر اسطوره‌ها افسانه‌های بی‌پایانی‌اند که هیچ استناد پذیرفتنی ندارند و اعمال و مناسک آیینی نیز متعلق به دوره‌های زمانی خاصی از تاریخ حیات انسان هستند که در عصر نوین جایگاه و ضرورت خود را از دست داده‌اند. برای این انسان‌ها، مناسک به نوعی اعمال تکرار شونده بازمانده از گذشته‌های دور تبدیل شده‌اند.^۴ با چنین نگرشی اتصال انسان به حقیقت ازلی و پایدار هستی از دست رفته و او در جست‌وجوی معنا برای زندگی دچار سرگردانی و بیهودگی است. از این منظر خسارت انسان نوین آن است که در برابر انسان کهن، فاقد میراث معنوی ارزشمندی است که حیات مترقی و در خور انسان را تضمین می‌کند. پیشرفت‌های علمی و صنعتی بشر، هرچند رفاه و سرخوشی جسم او را فراهم ساخته است، اما معنویت و حلقه‌ی اتصال او به ماوراء و امر قدسی را تا حد زیادی در محاق خود قرار داده است.

جامعه‌ی صنعتی امروز با دو مشکل و خطر عمده در زمینه‌ی آیین‌ها روبه‌رو است. یکی آیین‌گرایی افراطی است که از معنا و سرچشمه‌ی اصیل موضوع آیین فاصله دارد و دیگری آیین‌گریزی و ترک انجام آیین‌ها است. عمل آیینی بدون توجه به حقیقتی که در آن نهفته است هم‌چون پیکر بدون روح است. خالی شدن عمل آیینی از معنا سبب می‌شود که افراد تنها از روی عادت یا تقلید به انجام آنها بپردازند. از سوی دیگر بی‌قیدی و لابلایگری در قبال آیین‌ها، چه به عنوان میراث اجتماعی و چه به عنوان حلقه‌ی اتصال به ماورا برای انسان چیزی جز سرگشتگی و بیهودگی در پی نخواهد داشت. بررسی آسیب‌شناختی این رویکرد در افراد و جامعه، بوسیله‌ی مطالعات جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و حتی سیاسی و امثال آنها امکان‌پذیر است. اما فصل مشترک تمام این بررسی‌ها کشف انسان سرگشته‌ای است که با

۱. Riviere, Claude, *Introduction a l'anthropologie*, Paris, 2013, p.135.

۲. Rituals

۳. Belief

۴. Tylor, E.B, *Primitive Culture*, New York, 1929, vol.1, p.15.

گذشته معنوی خود مرتبط نیست و طرح روشن و امیدوارانه‌ای برای آینده حیات غیر مادی خود و جامعه در سر ندارد. سراسر زندگی چنین انسانی، پیوستار بی‌معنایی است که تعدادی اتفاق نظیر تولد، ازدواج و مرگ در آن به وقوع می‌پیوندد. زیرا کنار گذاشتن آیین‌ها به معنای محرومیت از درک و تجربه تغییرات ارزشمندی است که آیین‌ها، چه دینی و چه غیر دینی، در حیات فرد و جامعه محقق می‌سازند. قدر مسلم آن است که انسان مشتاق دستیابی به اسرار ماوراء و بازآفرینی اعمال مثالی در زمان بی‌زمان خدایان است. از نظر چنین انسانی همه آیین‌ها الگویی الوهیتی، یک نمونه ازلی، دارند و این اساس همه آیین‌ها در سراسر جهان است که ما باید همان کاری را بکنیم که خدایان در آغاز انجام دادند.^۱

۵. آیین‌های گذار

آیین‌های گذار^۲ ناظر بر آیین‌هایی است که در ضمن آنها مهم‌ترین مقاطع تغییر در حیات فرد به او گوشزد می‌شود. این تغییر در جایگاه، نقش و کارکردهای فردی و اجتماعی انسان‌ها صورت می‌پذیرد و در جریان آن هویت جدیدی به فرد بخشیده می‌شود.^۳ واژه آیین‌های گذار اولین بار در سال ۱۹۰۹ میلادی توسط اندیشمند هلندی آرنولد ون گنپ^۴ در کتابی به همین نام به کار رفت. بر اساس تقسیم‌بندی او این اصطلاح ناظر بر دو نوع آیین است: ۱. آیین‌های گذار فرد از وضعیت اجتماعی خاص به وضعیت دیگر. ۲. آیین‌هایی که مقاطع خاصی از گذر زمان را نشان می‌دهند نظیر سال نو، اول ماه، اعتدالین و امثال آنها. بحث محوری گنپ در آیین‌های گذار در مورد وضعیت بینابینی^۵ است. که در طی آن فرد یا افراد از وضعیت پیشین جدا شده و طی آیین ویژه‌ای به وضعیت جدید وارد می‌شوند. از نظر او نمادپردازی موجود در آیین‌های گذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مجموعه

۱. Eliade, Mircea, *The Myth of Eternal Return*, Willard R. Trask (trans.), Princeton, 1959, p.21.

۲. Passage rites

۳. Myerhoff, Barbara G; Camino, Linda A, "Rites of Passage", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.12, p.387.

۴. Arnold Van Gennep

۵. Betwix and between

نمادها و نه هر یک به تنهایی در معنا بخشی به آیین‌ها اهمیت دارند.^۱ با تمرکز بر آیین‌های ناظر بر نوع اول در تعریف گنپ می‌توان مهم‌ترین مقاطع حیات انسان را در چهار مرحله شامل تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ برشمرد.

۱.۵. تولد

تولد به عنوان اولین مرحله گذار به معنای پایان حیات جنینی و آغاز زندگی در یک دنیای دیگر است. از آنجایی که هیچ گذاری بدون آیین معنا پیدا نمی‌کند، در این مرحله اعمالی چون شست‌وشوی آیینی، نظیر غسل تعمید در میان مسیحیان، آیین نام‌گذاری، به عنوان نمونه در میان مسلمانان خواندن اذان و سپس برشمردن نامی که برگزیده‌اند در گوش نوزاد تازه متولد، قربانی کردن، چیدن چند تار موی سر و امثال آن در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون انجام می‌شود. هر چند آیین‌های گذار لزوماً دینی نیستند و شکل و کارکرد آنها در طول زمان و بنا به اقتضای سبک زندگی انسان‌ها دستخوش تغییر می‌شود، اما تعلق خاطر انسان به اتصال با حقیقت متعال همواره نوعی آیین مداری دینی را پدید می‌آورد و به این ترتیب در میان هر جماعتی رنگ و بوی دین و اعتقادات آن مردم به روشنی مشاهده می‌شود.

۲.۵. بلوغ

دومین مقطع برای تجربه کردن و تحقق بخشیدن آیین‌های گذار را با مرحله بلوغ انسان مرتبط می‌دانند. به طور کلی بلوغ را با آغاز تغییرات فیزیکی و بیولوژیکی در افراد مرتبط می‌دانند. تغییری که نشان دهنده پایان کودکی و آغاز دوره بزرگسالی است.^۲

بارزترین صورت‌های نمادپردازه آیین بلوغ در میان جوامع اولیه وجود دارد، قبایل کاراجای استرالیا در هنگام بلوغ، نوجوانان و به‌ویژه پسران نوجوان را برای تجربه تنهایی و ناشناختگی و خطر به جنگل می‌سپارند و در این مدت فرد با مواجهه خطرات آمادگی ورود به بزرگسالی و پذیرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌های فرد بالغ را پیدا می‌کند. از نظر تحلیل‌گران

۱. Gennep, Amorld. Van., *The Rites of Passage*, M. Wizedom and G. L. Caffé (trans.), Chicago, 1960, p.36.

۲. Fried, Martha, *Transition: Four Rituals in Eight Cultures*, New York, 1981, p.322.

علوم اجتماعی و انسان‌شناسی این تجربه درواقع نماد مرگ از کودکی و حیات دوباره به بزرگسالی است. جنگل هم‌چون گور تاریک و مخوفی است که فرد پس از پشت سر گذاشتن آن رستاخیز پیدا کرده است. بدین ترتیب فرد در خود می‌میرد و در یک استحاله رمزآمیز درونی، از ساحت دنیوی و نامقدس رها شده و به ساحت معنوی و قدسی گام می‌نهد. در این مرگ و باززایی نمادین، فرد با پذیرش وظایف و قیود و شرایطی به امتیازات اجتماعی یا مذهبی جدیدی دست می‌یابد و زندگی را دوباره با پایگاه و منزلت اجتماعی تازه‌ای از سر می‌گیرد.^۱

این تغییر و تحول در زندگی فرد تنها به دلایل فیزیولوژیکی و رسیدن او به سن بلوغ صورت نمی‌گیرد، بلکه آنچه اهمیت دارد تغییر هستی‌شناختی است که انتظار می‌رود پس از گذراندن آزمون‌های دشوار و تجربه مرگ نمادین در فرد اتفاق افتاده باشد. هرچند فرد در این مرحله واجد اسم و تعریف مشخصی نیست. او نه به طبقه و سنت خانوادگی خاصی تعلق دارد و نه هویت فردی معینی دارد. به عنوان مثال هنگامی که می‌گوئیم پسر با تحقق آیین‌های گذار مرد می‌شود، درواقع برای آنچه که در بین این دو وضعیت وجود دارد، نام خاصی نمی‌شناسیم. به بیان دقیق‌تر در این مرحله فرد وجود خارجی دارد ولی هویت فردی و اجتماعی مشخصی ندارد. او به جای دیگری تعلق دارد، پس باید از جامعه فاصله بگیرد و چون دیگر آن فرد قبلی نیست، باید تغییر چهره هم بدهد. اینجاست که ماسک‌ها و لباس‌های عجیب یا استفاده از رنگ و خطوط بر چهره افراد در آیین‌های گذار معنا پیدا می‌کند. در مدت برگزاری آیین، گاهی پسرها لباس دختران را می‌پوشند و این به معنا آن است که فرد در حال گذار، نه مرد است و نه زن. او در واقع با تحقق نهایی گذار با یک هویت جدید متولد می‌شود. فردی که گذار را تجربه می‌کند هم به نوعی مقدس است و هم پاک ولی در عین حال دارای ویژگی‌هایی است که او را برای جامعه خطرناک می‌سازد و به همین دلیل برای خروج از این مرحله باید تطهیر شود.^۲ گاهی نیز رقص‌های آیینی، اهدای قربانی، تراشیدن موی سر و اعمالی نظیر آنها به منظور نمایش نمادین استحاله و انتقالی که

۱. Eliade, Mircea, *Rites and Symbols of Initiation*, W.R.Trask (trans.), New York, 1975, p.57.

۲. Kaelber, Walter O, "Initiation", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.7, p.230.

در حال رخ دادن است، انجام می‌گیرد.

در بعضی جوامع جنبه دینی این مقطع سنی اهمیت دارد. به عنوان نمونه آیین‌های بت میصوا و برمیصوا در میان یهودیان را می‌توان نام برد. این سن برای پسران سیزده سالگی به علاوه یک روز و برای دختران دوازده سالگی به علاوه یک روز است. پسر سیزده ساله و یک روز تمام حقوق و اعتبار فرد بالغ را دارد و می‌تواند در معامله، خرید و فروش رسمی شرکت کند، و در واقع تمام حقوق قانونی یک فرد بالغ را به جز برخی استثناها دارد. سابقه تاریخی برگزاری آیین به این منظور بر اساس شواهد موجود از دوران معبد دوم به دست می‌آید. در آن دوران در اورشلیم رسم بر آن بود که فرزندان قوم کودکی را که اولین روزه خود را با موفقیت پشت سر گذاشته بود متبرک سازند. بعدها نماد اصلی این آیین قرائت فرازهای تورات به وسیله فرد نوآموز بود. هنگامی که فرد بر اساس تقویم یهودی سیزده سالگی را پشت سر می‌گذاشت از او می‌خواستند که فرازهایی از تورات را به عنوان اعلام ورودش به جماعت مؤمنین یهودی قرائت کند.

۳.۵. ازدواج

ازدواج به عنوان یک آیین از کهن‌ترین اعمال در میان انسان‌هاست که از آن به عنوان یک پیمان و عقد محکم بین زن و مرد یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد که در تمام جوامع بشری اعلام رسمی آن در قالب یک مراسم ویژه ضروری است. در جریان این آیین‌ها زن و مرد معمولاً با ادای کلماتی که نشان دهنده پذیرش شرایط ازدواج است توسط یک نماینده دینی یا فردی که جایگاه شناخته شده‌ای در میان آن مردم دارد به ازدواج هم درمی‌آیند. اعمال آیینی معمولاً با رقص، آواز و موسیقی همراه است. رد و بدل نمودن چیزی نظیر یک حلقه به عنوان نماد این تعهد در اکثر نقاط دنیا رایج است. گاهی با پاشیدن برخی غلات، نهادن کودک در دامان زن یا به زبان آوردن کلمات خاص باروری ازدواج را طلب می‌نمایند. در بیشتر جوامع، عروس و داماد جامه سپید بر تن می‌کنند و گاهی نظیر آنچه در میان یهودیان رایج است چیزی نظیر یک لیوان را پس از خواندن عقد ازدواج می‌شکنند. به طور کلی فصل مشترک همه انواع این آیین‌ها توجه به وقوع یک گذار در حیات فرد است. برگزاری آیین ازدواج علاوه بر آن که کیفیت زندگی فردی زن و مرد را در ادامه حیاتشان دستخوش

تغییر قرار می‌دهد، صورت اجتماعی منظمی را پیش می‌آورد که مفاهیمی همچون زاینده‌گی و تعهد را در خود دارد.

الیاده معتقد است که وصلت آسمان و زمین نخستین ازدواج مقدس است که خدایان به شتاب از آن پیروی می‌کنند و آدمیزادگان نیز با همان متانت و وقار مقدسی که از هر عمل و فعالیت انجام یافته در سپیده دم زمان سرمشق می‌گیرند، به تقلید از اقدام خدایان، می‌پردازند.^۱ بسیاری از اسطوره‌هایی که آفرینش جهان و انسان را توصیف می‌کنند همچنین ازدواج را نیز توصیف می‌کنند. در مصر باستان اولین ازدواج، ازدواج ازیریس با خواهرش ایزیس است.^۲ به علاوه در متون مقدس نیز به ازدواج و اهمیت آن اشاره شده است. در اسلام، مسیحیت و یهودیت ازدواج آدم و حوا به تولید نسل بشر انجامید. در دین زرتشتی اولین زوج بشری، مشی و مشیانه نام دارند. و در ونیدداد اهوره مزدا به زرتشت خطاب می‌کند که زن و مردی که به سن ازدواج می‌رسند حتما باید ازدواج کنند.^۳

۴.۵. مرگ

مرگ را می‌توان مرحلهٔ پایانی گذار برای انسان دانست. در عین حال بر اساس باور رایج در میان بسیاری از انسان‌ها به حیات در جهان دیگر، می‌توان آن را آغاز یک مرحلهٔ جدید دانست. یافته‌های باستان‌شناختی و نوشته‌های بازمانده نشان‌دهندهٔ وجود چنین باوری در میان انسان‌هاست. به عنوان نمونه دفن انسان به وضعیت جنینی به معنای آن است که مرگ در واقع مقدمهٔ یک تولد دیگر است. در میان مصریان باستان پس از به خاک سپردن افراد، زورق‌های مجهزی را با آنها دفن می‌نمودند تا از دریای مشرق عبور کرده و به خدای آفتاب برسند.^۴

اعمال آیینی متداول در مرحلهٔ گذار مرگ شامل شست‌وشو و به خاک سپردن درگذشتگان، مومیایی نمودن، سوزاندن و نظایر آن است. مهم‌ترین ویژگی مشترک در

1. *Patterns in Comparative Religions...*, p.239.

2. Westermarck, Edvard A., *the History of Human Marriage*, New York, 1981, v.3, p.1921.

۳. آموزگار، ژاله، «ازدواج‌های اساطیری و آیین ازدواج در ایران باستان»، *زبان، فرهنگ، اسطوره*، تهران، ۱۳۸۷ش، ص ۲۹۴.

۴. آزادگان، جمشید، *تاریخ ادیان/تدابی و قدیم*، تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۲۲۵.

آیین‌های گذار ناظر بر آخرین مرحله‌ی حیات انسان، باور به ادامه‌ی حیات در یک شکل دیگر و تلاش برای تطهیر و پاک نمودن ظاهری و باطنی فرد در گذشته برای ورود به آن ساحت است.

پاک‌کننده‌های آیینی معمولاً شامل آتش، آب، گل، خاکستر و در مواردی اعطای قربانی است. عود و بخور نیز از لوازم آیین‌های دینی هستند که برای طلب پاکی سوزانده می‌شود. از این میان شستشو به آب یکی از رایج‌ترین اعمال در آیین‌های گذار است که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف بنا به دستور العمل‌های ویژه‌ای انجام می‌شود. دستورالعمل‌های رعایت پاکی و ناپاکی هنگامی که در حوزه‌ی علم فقه مطرح شوند، بایدها و نبایدهای ظاهری را معین می‌سازند و هنگامی که در حوزه‌ی علم اخلاق مورد توجه قرار می‌گیرند، بر ضوابط و اصولی تکیه می‌کنند که برای تطهیر باطن و درون ضروری است. در اعمال آیینی هر دو جنبه اهمیت دارند. تطهیر راهی است برای طلب بخشودگی، شفا، آغاز دوباره‌ی تعالی و پیوستن دوباره به سرچشمه و بنا نهادن یک رابطه‌ی سه سویه بین فرد، کیهان و ساختار اجتماعی.^۱

در میان همه‌ی انواع پاک‌کننده‌ها آب حاوی قدرت تطهیر و تجدید حیات و نوزایی است. فردی که در آب فرو می‌رود، می‌میرد و آنکه از آب سر بر می‌آورد، چون کودکی بی‌گناه و بی‌سرگذشت است که می‌تواند زندگی نوینی را آغاز کند. در این زمینه میرچا الیاده چنین می‌گوید: «آب که مبدأ هر چیز نامتمایز و بالقوه و مبنای تجلی کائنات و مخزن همه‌ی جرثومه‌هاست، رمز جوهره‌ی آغازین است که همه‌ی صور از آن زاده می‌شوند، و با سیر قهقرایی دوباره به آن باز می‌گردند. در آغاز بوده است، و در پایان هر دوره‌ی تاریخی یا کیهانی نیز باز می‌آید؛ همواره هست گرچه هرگز تنها نیست، زیرا آب همیشه نامیه است و در برگرفته‌ی همه‌ی صور بالقوه. آب در آفرینش کیهان، اساطیر، آیین‌ها و شمایل‌نگاری‌ها، جدا از ساختار کلیت‌های فرهنگی مربوط به آنها، همواره یک نقش دارد: مقدم بر هر شکل و صورتی است و محمل و تکیه‌گاه هر آفرینشی».^۲

1. Zuesse, E. M., "Ritual", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987, p.407.

2. Eliade, Mircea, *Patterns...*, p.188.

۶. نتیجه

آیین‌های گذار در واقع همچون نقاط عطف در مقاطع مهم و اصلی حیات فرد عمل می‌کنند. مقطعی که فرد با رسیدن به آنها دستخوش یک پایان و از سوی دیگر آغازی نو می‌شود و به همین دلیل است که هر آیین گذار را نمادی از مرگ فرد از هستی پیشین و حیات دوباره یافتن او در هستی جدید می‌دانیم. کارکرد این آیین‌ها در دو ساحت فردی و اجتماعی مطرح می‌شود. در ساحت فردی آیین‌های گذار فرد را نسبت به جایگاه خود در جامعه و در سطح بالاتر در جهان هستی، آگاه می‌سازند. این شناخت علاوه بر این که به تعالی معنوی فرد یاری می‌رساند، از سوی دیگر او را به وظایف و مسؤولیت‌هایی که در جامعه به عهده خواهد داشت آگاه می‌نماید. چنین فردی به لحاظ روحی، احساس تعالی و وابستگی با کل جامعه را پیدا می‌کند و در عین حال با آگاهی از جایگاه خود در جامعه در صورت کسب شایستگی‌های لازم برای آن مقطع از حیات خود، نقش مفید و مؤثری در پیشرفت جامعه ایفا می‌نماید. در ساحت اجتماعی نیز آیین‌های گذار سبب اتصال و همبستگی اعضای جامعه شده و هویت جمعی به آنها می‌بخشد. این هویت جمعی روحیه تعاون و دیگرخواهی در میان اعضای جامعه را تقویت می‌کند و به سبب آن جامعه و فرد به سوی کمال و پیشرفت گام بر می‌دارند.

آیین‌های گذار معمولاً قوانین پاکی و ناپاکی را مد نظر قرار می‌دهند، زیرا در این مواقع (تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ) انسان‌ها در برابر نیروهای شر آسیب‌پذیرتر هستند. از سویی دیگر چنین به نظر می‌رسد که ورود به هر مرحله جدید از حیات انسان مستلزم پاک شدن از وضعیت قبلی و ورود خالصانه و تطهیر شده به مرحله بعدی است. هرچند برخی اندیشمندان جامعه‌شناسی ادیان معتقدند که مفهوم آلودگی که در سنت‌های دینی گوناگون مطرح می‌شود و آیین‌های تطهیر برای رفع آن وضع می‌شود در واقع تلاش آن سنت دینی خاص در جهت حفظ اصول خود در مقابل مفاهیم متباینی است که آنها را به چالش می‌کشند. این اصول به راحتی قابل تبیین و توضیح نیستند، اما پذیرفتن آنها در آن سنت دینی ضروری است.^۱

در واقع تحقق استحاله‌ای که مورد توجه اصلی این نوشته است در صورتی امکان‌پذیر

۱. Douglas, Mary, *Purity and danger*, London, 1966, p.45.

است که انسان بخواهد به طور آگاهانه خود را در معرض گذار قرار دهد. در دنیای صنعتی امروز کارها به متخصصان هر حوزه سپرده می‌شود. به عنوان مثال در بیمارستان متولد می‌شویم و در مواردی همانجا می‌میریم. بدین ترتیب دو مرحله مهم از آیین‌های گذار صرفاً با تشریفات اداری صورت می‌پذیرند. به نظر می‌رسد که امروزه دو مرحله میانی گذار، شامل بلوغ و ازدواج نیز بیشتر بدون مقدمات و آماده‌سازی آیینی پشت سر گذارده می‌شوند. شاید انسان امروز واجد چنان آگاهی و شجاعت فوق‌العاده‌ای است که مرزهای چنین گذاری برای او بی‌اهمیت‌اند و گذاری به سادگی دمیدن در شمع‌هایی که به تعداد سالیان عمر فرد روشن می‌شوند، او را از کودکی به پیری می‌رساند.

منابع

- آزادگان، جمشید، *تاریخ ادیان ابتدایی و قدیم*، تهران، ۱۳۸۴ش.
- آموزگار، زاله، «ازدواج‌های اساطیری و آیین ازدواج در ایران باستان»، *زبان، فرهنگ، اسطوره*، تهران، ۱۳۸۷ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغتنامه*، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۷۶ش.
- Douglas, Mary, *Purity and Danger*, London, 1966.
- Eliade, Mircea, *Patterns in Comparative Religion*, Rosemary Sheed(trans.), London, 1958.
- Eliade, Mircea, *Rites and Symbols of Initiation*, W.R.Trask (trans.), New York, 1975.
- Idem, *The Myth of Eternal Return*, Willard R. Trask (trans.), Princeton, 1959.
- Frazer, James, *The Golden Bough*, London, 1890.
- Fried, Martha, *Transition: Four Rituals in Eight Cultures*, New York, 1981.
- Gennep, Arnold. Van., *The Rites of Passage*, M. Wizedom and G. L. Caffé (trans.), Chicago, 1960.
- Kaelber, Walter O, "Initiation", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Myerhoff, Barbara G; Camino, Linda A, "Rites of Passage", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.) , New York, 1987.
- Riviere, Claude, *Introduction a l'anthropologie*, Paris, 2013.
- Robertson Smith, W., *Lectures and Essays of William Robertson Smith*, John Sutherland(ed.), Edinburgh, 1912.
- *The Oxford Concise Dictionary of Etymology*, T. F. Hoad(ed.), Oxford, 1996.
- Turner, Victor, *Forest of Symbols, Aspects of Ndembu Rituals*, London, 1982.
- Tylor, E. B., *Researches into the History of Mankind*, London, 1870.
- Idem, *Primitive Culture*, New York, 1929.
- Westermarck, Edvard A., *the History of Human Marriage*, New York, 1981.

-
- Zuesse, E. M., "Ritual", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987.